



جایگاه داورى هاي ارزشي و صفات نفساني در اخلاق

واژه اخلاق صفات پایدار نیک و بد انسان را به خاطر می آورد و نیز عملی را که درباره صفات و رفتارهای شایسته و ناشایست سخن می گوید.

خبرگزاری مهر- واژه اخلاق صفات پایدار نیک و بد انسان را به خاطر می آورد و نیز عملی را که درباره صفات و رفتارهای شایسته و ناشایست سخن می گوید. همه ما بارها درباره رفتار خود و دیگران اندیشیده و قضاوت کرده ایم. برای مثال، بارها به خود گفته ایم "کاری که دیروز انجام دادم درست نبود" و "خوب بود به جای اینکه از سرزنش دوستم بترسم، راستش را به او می گفتم". ممکن است کسی را به دلیل آنکه شجاع، غیرتمند، جوانمرد و سخاوتمند است ستوده باشیم، یا در دل کسی را که کینه توز، حسود و بی مبالا است سرزنش کرده باشیم. اینگونه قضاوت ها در زندگی عملی ما نقش برجسته ای دارند.

بر اساس این داورى ها، دوستان خود را انتخاب می کنیم، الگوی زندگی خویش را تعیین می کنیم، می فهمیم چگونه رفتارمان را تنظیم و تصحیح نماییم و با کدام دسته یا گروه مذهبی، اجتماعی، سیاسی و فرهنگی همکاری داشته باشیم. در واقع قضاوت های مزبور در این باره اند که رفتارهای ما چگونه "باید" باشند.

با اینکه ما هر روز ده ها نمونه از این دست قضاوت ها داریم یا درباره آنها با دیگران سخن می گوئیم، شاید کمتر درباره اهمیت و فایده ی آنها فکر کرده باشیم. به راستی آیا نمی توانیم بدون این گونه داورى ها زندگی کنیم ؟ چه لزومی دارد که در این باره بیندیشیم و بحث کنیم.

تصور کنیم روزی همه این گونه داورى ها از زندگی ما حذف شوند؛ یعنی در آن روز هرگاه می خواهیم رفتاری انجام دهیم، ندانیم چه "باید" بکنیم. به هر حال داورى هایی که درباره آنها سخن گفتیم نشان می دهند ما در زندگی چه هدف هایی را در نظر گرفته ایم و موجب می شوند تا کارهایی که با هدف های ارزشمند ما تناسب دارند برگزینیم و به اختیار خود انجام دهیم. به طور خلاصه، می توان گفت این داورى ها جهت زندگی ما را به سمت هدفی خاص نشان می دهند و در ارزش گذاری و انتخاب رفتارهایی متناسب با آن هدف تاثیر می گذارند.

بنابراین، اگر نتیجه و هدف زندگی برای ما مهم است، همچنین باید برای ما مهم باشد که داورى هاي ارزشي درست را بشناسیم تا رفتارهای اختیاری خود را با آنها هماهنگ کنیم. زیرا دانستن اینکه چه باید بکنیم قدم اول برای انتخاب و انجام کار متناسب با هدف زندگی است.

صفات نفساني

البته غیر از دانستن که از نوع بینش است عوامل انگیزشی نیز در انتخاب و انجام کارها موثرند. این عوامل را می توان به دو دسته بیرونی و درونی تقسیم کرد. فرهنگ، آداب و رسوم اجتماعی، گفتار و رفتار کسانی که با آنها بیشتر سروکار داریم مانند خانواده، دوستان، مربیان و رسانه ها از جمله عوامل انگیزشی بیرونی اند و صفاتی مانند عفت، غیرت و شجاعت، یا بخل، حسادت و تکبر از عوامل انگیزشی درونی به شمار می روند.

عوامل انگیزشی بیرونی می توانند ما را به انتخاب و انجام کارهای خاص سوق دهند کسی که در جمع افراد فروتن قرار گرفته باشد به فروتنی و تواضع تشویق می شود. صفات درونی ما را وادار می کنند که رفتارهایی متناسب با آنها انجام دهیم.

کسی که به حسادت گرایش درونی دارد و این صفت در او پایدار است معمولاً حسد می ورزد. عوامل انگیزش بیرونی می توانند به طور غیر مستقیم در انتخاب ما موثر باشند و ما را به کارهای خاصی راهنمایی و تشویق کنند، اما آنچه مستقیماً در رفتار ما تاثیر می گذارد عوامل انگیزشی درونی است. این عوامل را می توان با آگاهی و تمرین در اختیار گرفت، در آنها تغییر ایجاد کرد، تضعیف یا تقویتشان نمود، بر تاثیرشان افزود یا از تاثیرشان کاست و آنها را زدود یا پایدارشان ساخت.

اگر بتوانیم از میان این صفات درونی، صفات مثبت و ارزشمند را به درستی شناسایی کرده، آنها را در درون خود تقویت نماییم و از تاثیر صفات منفی بکاهیم، می توانیم مطمئن باشیم که جهت گیری کارها و رفتارهای ما نیز مناسب است. در واقع، برخورداری از صفات نفساني نیک عامل گرایشی برای انجام رفتارهای نیک، و درنهایت دستیابی به هدف زندگی است.

افزون بر این، بنابر انسان شناسی اسلامی، حقیقت وجود انسان روح مجرد اوست که پس از مرگ باقی می ماند، و انسان با صفات نفسانی خود محسوس می شود. بنابراین صفات نفسانی علاوه بر آنکه در انتخاب و انجام دادن کارهای اختیاری موثرند و از آنها تاثیر می پذیرند حقیقت وجود انسان را نیز تشکیل می دهند.